



Islamic Public Administration (IPA) Paradigm (1): Main Assumptions and Social and Political Foundations

Seyyed Mehdi Seyyed Tabatabaei^{1*} | Meysam Latifi² | Morteza Javanali³ | Mesbah-ul-Hoday Bagheri⁴ | Hossein Danaeifar⁵

1. Researcher, Chair of Islamic Administration Model, Imam Hossein University, Tehran, Iran. Email: smstabatabaei@isu.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Public Administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadeq (AS) University, Tehran, Iran. Email: latifi@isu.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadeq (AS) University, Tehran, Iran. Email: javanali@isu.ac.ir
4. Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadeq (AS) University, Tehran, Iran. Email: m.baqeri@isu.ac.ir
5. Professor, Department of Management, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: hdanaee@modares.ac.ir

Volume info

Vol. 33
Series: 4
Winter 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
06 August 2025

Revised:
15 June 2026

Accepted:
23 July 2026

Published:
27 July 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2251-6980
E-ISSN: 2645-5234

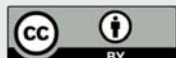


Abstract

Realizing an Islamic government is one of the necessities facing the Islamic Republic system in the second phase of the revolution. This research aims to explain the main assumptions and social and political foundations of the Islamic Public Administration (IPA) Paradigm. Using the scoping review method, 95 works with a paradigmatic view of public administration were examined, and eight main paradigms were identified. Then, through a meta-synthesis study, the paradigm-forming dimensions and components of public administration were designed in the form of three main dimensions, nine sub-dimensions, and 19 components. Subsequently, through deductive (modified) thematic analysis of the works of Imam Khamenei (may Allah protect him), the main assumptions and social and political foundations of the Islamic Public Administration (IPA) Paradigm were extracted and compared with conventional Anglo-American paradigms. The results show that this paradigm is based on monotheism in worldview, holistic approach in epistemology, human responsibility in anthropology, and revelatory rationality. Additionally, the formation of a monotheistic society as opposed to an ignorant society, the theory of right and wrong, the theory of guardianship, and the system of religious democracy (Islamic Republic) were identified as the social and political foundations of this paradigm. This research, by providing a theoretical framework for the Islamic Public Administration (IPA) Paradigm, paves the way for further studies in this field.

Keywords: Public Administration, Islamic Management, Paradigm, Imam Khamenei.

Cite this Paper: Seyed Tabatabaei' M; Latifi' M; Javanali' M; Bagheri' M & Danaeifar' H. (2026). Islamic Public Administration (IPA) Paradigm (1): Main Assumptions and Social and Political Foundations. Journal of Islamic Management. 33(4), 161-199, DOR: 20.1001.1.22516980.1405.33.4.3.3



Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).



مدیریت اسلامی

Journal homepage: www.imj.ihu.ac.ir

مکتب مدیریت دولتی اسلامی (۲): موضوع اصلی دانش مدیریت دولتی و فرایند تعامل و اداره

سیدمهدی سیدطباطبایی^{۱*} | میثم لطیفی^۲ | مرتضی جوانعلی^۳ | مصباح‌الهدی باقری^۴ | حسین دانایی‌فر^۵

Email: smstabatabaei@isu.ac.ir

Email: latifi@isu.ac.ir

Email: javanali@isu.ac.ir

Email: m.baqeri@isu.ac.ir

Email: hdanaee@modares.ac.ir

۱. پژوهشگر کرسی الگوی اداره اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

۴. استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

۵. استاد، گروه مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

تحقق دولت اسلامی در گام دوم انقلاب، مستلزم تبیین چارچوب نظری و عملی مکتب مدیریت دولتی مبتنی بر اندیشه اسلامی است. این پژوهش، به تبیین مکتب مدیریت دولتی اسلامی می‌پردازد و گزارش آن در دو مقاله مرتبط ارائه شده است، با هدف واکاوی و تبیین مکتب مدیریت دولتی اسلامی صورت پذیرفته است. مقاله حاضر، بخش دوم پژوهش (پس از تبیین مفروضات و مبانی اجتماعی در مقاله نخست) است و به تبیین و تحلیل بُعد «فرایند اداره و تعامل دولت و مردم» می‌پردازد. روش پژوهش تحلیل مضمون قیاسی تعدیل شده و دلالت‌پژوهی متون و بیانات حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی بوده است. نوآوری اصلی پژوهش، ارائه الگویی از تعامل دولت و مردم است که در آن به‌جای روابط دوگانه و مبادله‌ای، شبکه‌ای از مسئولیت‌های متقابل با انگیزش درونی و سازوکار مردمی حاکم است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در این مکتب بجای نسبت‌ها از «مسئولیت‌ها» بحث می‌شود که شامل مسئولیت مشترک حفظ نظام ولایت، مسئولیت متقابل امت و امامت و مسئولیت‌های درونی آن‌ها است. نحوه انگیزش افراد مبتنی بر ایمان انقلابی و جهادی (انگیزش درونی) است، سیاست‌ها توسط خداوند تعیین شده و مجریان آن‌ها پاسخگو هستند، و مردم نقش فعال در مطالبه و تحقق سیاست‌ها دارند. همچنین، شیوه حکمرانی بر اساس «بسیج مردمی»، رویه غالب اداره «مردم‌سپاری» و نقطه ثقل فرایند اداره، «تبیین، آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی» است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مکتب مدیریت دولتی اسلامی، بر مبانی توحید، انسان مسئول، ولایت، امت و امامت و جهاد کبیر استوار بوده و تمایزات بنیادین و مزیت‌های ویژه‌ای نسبت به پارادایم‌های متعارف مدیریت دولتی آن‌گلوامریکن دارد. این تحقیق با ارائه چارچوبی جامع و نظام‌مند از مکتب مدیریت دولتی اسلامی، مبنای نظری لازم را برای پژوهش‌های آتی و طراحی الگوهای کاربردی در نظام اداری فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت دولتی اسلامی، الگوی امت و امامت، مردم‌سپاری، بسیج مردمی، امام خامنه‌ای.

سال و شماره

سال ۳۳، شماره: ۴

زمستان ۱۴۰۴

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵

شاب چاپی و الکترونیکی

شاب چاپی: ۶۹۸۰-۲۲۵۱

الکترونیکی: ۵۲۳۴-۲۶۴۵



استناد: سیدطباطبایی، سیدمهدی؛ لطیفی، میثم؛ جوانعلی، مرتضی؛ باقری، مصباح‌الهدی؛ دانایی‌فر، حسین (۱۴۰۵). مکتب مدیریت دولتی اسلامی

(۲): موضوع اصلی دانش مدیریت دولتی و فرایند تعامل و اداره؛ مدیریت اسلامی؛ ۳۳(۴)؛ ۱۹۹-۱۶۱.

DOR: 20.1001.1.22516980.1405.33.4.3.3



نویسندگان.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع)



مقدمه

این مقاله به تحلیل سازوکارهای عملیاتی «مکتب مدیریت دولتی اسلامی» (IPA) بر اساس اندیشه‌های رهبران فکری انقلاب اسلامی می‌پردازد. این پژوهش به عنوان بخش دوم مطالعه‌ای جامع، بر یافته‌های نظری ارائه شده در بخش نخست (سیدطباطبایی، ۱۴۰۳) استوار است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است: فرایند اداره و تعامل دولت و مردم در مکتب مدیریت دولتی اسلامی بر اساس اندیشه امام خامنه‌ای چگونه شکل می‌گیرد و مهم‌ترین تمایزهای آن با پارادایم‌های متعارف آنگلو امریکن کدام است؟

بنابراین، مقاله حاضر، اولاً مبتنی بر مقاله پیشین (که به تبیین مبادی، مبانی و موضوع این مکتب پرداخت)، می‌کوشد نشان دهد که چرا مبنای تعامل دولت و مردم، موضوع اصلی دانش مدیریت دولتی است. ثانیاً با تبیین فرایند اداره و تعامل دولت و مردم، تلاش می‌کند، تصویری کاربردی از مسئولیت‌ها، انگیزه‌ها، سیاست‌ها و سازوکارهای حاکم بر حکمرانی در این مکتب فکری دهد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، کیفی و مبتنی بر ترکیب و بومی‌سازی الگوهای براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶)، اشیری (۱۳۹۷) و دانایی‌فرد (۱۳۹۵) در قالب فرایندی هشت مرحله‌ای به دست آمده طراحی شده است که جزئیات آن در مقاله نخست (سیدطباطبایی، ۱۴۰۳) تشریح شده است. در اینجا خطوط اصلی مرور می‌شود:

۱. **جمع‌آوری داده:** مجموعه کامل آثار و بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظه الله تعالی در سه مقطع زمانی (پیش از انقلاب، پس از انقلاب تا پیش از رهبری، دوران رهبری) که پس از غربالگری دو مرحله‌ای، بیش از ۷۰۰۰ فیش مرتبط با حوزه حکمرانی و اداره امور عمومی استخراج گردید.

۲. **منطق تحلیل:** چارچوب مفهومی از پیش تعیین شده — برآمده از مطالعه فراترکیب ۹۵ اثر در مکاتب متعارف مدیریت دولتی — به عنوان قالب قیاسی به کار رفت. امّا، برای

^۱ Braun & Clarke

پیشگیری از تحمیل مفاهیم غربی، رویکرد اصطیادی نیز به عنوان مکمل اعمال شد تا مؤلفه‌های جدید نیز از دست نروند.

۳. **اعتبار سنجی:** اتقان یافته‌ها از طریق (الف) اعتبار سنجی مضامین توسط تیم پژوهش، (ب) انطباق مستمر با متن اصلی، (ج) رفت و برگشت‌های مکرر میان مضامین و منابع، و (د) شفافیت گام‌های روش‌شناختی برای قابلیت بازبینی تضمین گردید.

۴. **رابطه با مقاله نخست:** مقاله حاضر بر چارچوب مفهومی مستخرج از مقاله نخست — شامل سه بُعد اصلی مفروضات، مبانی اجتماعی و سیاسی، و مبنای تعامل دولت و مردم — استوار است و بُعد چهارم (فرایند اداره و تعامل دولت و مردم) را با تکیه بر همان روش و منابع واکاوی می‌کند.

مبانی نظری

عنوان این مقاله دو مدّعی مرتبط را در کنار هم قرار داده است: «موضوع اصلی دانش مدیریت دولتی» و «فرایند تعامل و اداره مردم و دولت». اگر چه، این دو مدّعا ممکن است مستقل به نظر برسند، اما در واقع رابطه‌ای منطقی و سلسله‌مراتبی دارند:

۱. در مقاله نخست (سید طباطبایی، ۱۴۰۳)، بُعد سوم («مبنای تعامل دولت و ملت») به صورت اجمالی تبیین شد. مقاله حاضر می‌کوشد همان بُعد را با رویکرد جدیدی بازخوانی کند؛ یعنی نشان دهد که چرا «مبنای تعامل دولت و مردم» در واقع موضوع اصلی دانش مدیریت دولتی است. این بازخوانی، نه یافته جدیدی از تحلیل داده‌ها، بلکه باز تفسیر نظری یافته‌های پیشین است.

۲. در علم‌شناسی کلاسیک — از جمله در تقسیم‌بندی ابن سینا (۱۴۰۴ ه.ق.) — هر علم را می‌توان از سه منظر بررسی کرد: ۱- مبادی (پیش فرض‌هایی که بر آن‌ها برهان اقامه نمی‌شود)، ۲- موضوع (امری که علم از احوال آن بحث می‌کند)، و ۳- مسائل (گزاره‌هایی که ناظر به موضوع‌اند). مقاله نخست به مبادی پرداخت (بُعد اول، دوم و سوم)؛ مقاله حاضر موضوع را تعیین می‌کند (بازخوانی بُعد سوم)؛ و یافته‌های بُعد چهارم، مسائل این دانش را

تشکیل می‌دهند. بنابراین، بحث موضوع، پیش فرض منطقی برای فهم یافته‌هاست، نه خود یافته.

۳. تعیین موضوع دانش مدیریت دولتی، پاسخی نظری به ادعای رادشلدرز^۱ (۲۰۱۱) و سایر نظریه‌پردازان مطرحی است که مدیریت دولتی را فاقد موضوع واحد می‌دانند. این پاسخ، چارچوب مفهومی‌ای است که یافته‌های بُعد چهارم بر آن استوار می‌شوند. یعنی، موضوع دانش مدیریت دولتی، مبانی و اصول حاکم بر تعامل دولت و مردم است؛ یعنی آن دسته از قواعد بنیادین که ماهیت، مشروعیت و چارچوب این رابطه را تعیین می‌کنند. بر این اساس، فرایند عملیاتی تعامل (شامل مسئولیت‌ها، سیاست‌ها، انگیزه‌ها و سازوکارها) پیامد منطقی و تجلی عملی همین مبانی است.

۴. بنابراین، بحث «موضوع اصلی» در این مقاله نقش پل یا رابط مفهومی را ایفا می‌کند که از یک سو، یافته‌های مقاله نخست را بازخوانی و بازتفسیر می‌کند؛ و از سوی دیگر، منطق انتقال به بُعد چهارم را توضیح می‌دهد.

موضوع اصلی دانش مدیریت دولتی: مبانی تعامل دولت و مردم

یکی از دیرپاترین مناقشات در مدیریت دولتی، بحران هویت است (والدو^۲، ۱۹۴۸؛ اوستروم^۳، ۱۹۷۳). رادشلدرز (۲۰۱۱) نیز آن را صرفاً «حوزه‌ای میان‌رشته‌ای» می‌داند. این بحران ریشه در دوگان‌های^۴ فلسفی دارد: جدایی سیاست از اداره (ویلسون^۵، ۱۸۸۷؛ گودنوو^۶، ۱۹۰۰)، و سپس دوگان دولت در برابر جامعه، واقعیت در برابر ارزش (سایمون^۷، ۱۹۴۷)، و شهروند در برابر مشتری (دنهاردت^۸، ۲۰۱۱). از آنجا که در جهان‌بینی مادی و پارادایم‌های غربی، نظام اجتماعی فاقد جهت‌گیری غایی و توحیدی است، مفهوم «دولت» و «مردم» همواره در منطق تضاد و دیالکتیک

1. Raadschelders
2. Waldo
3. Ostrom
4. Dichotomies
5. Wilson
6. Goodnow
7. Simon
8. Denhardt

تقابلی فهمیده می‌شوند (نظریه دولت-ملت). در نتیجه، مدیریت دولتی هرگز موضوعی واحد نیافته است: گاهی سازمان دولتی، گاهی ارزش عمومی، گاهی شبکه‌های حکمرانی.

اما بر اساس منطق سینوی و در چارچوب فلسفه علم اسلامی (ابن سینا، ۱۴۰۴ ه.ق.)، هر علمی از سه رکن «مبادی، موضوع و مسائل» تشکیل می‌شود. مقاله نخست نشان داد که مبادی این مکتب بر «جهان‌بینی توحیدی» و «مسئولیت الهی انسان» استوار است. در چنین نظام فکری، دوگان متضاد «دولت و جامعه» یا «سیاست و اداره» بی‌معناست. بر پایه نظریه «ولایت» و «الگوی اُمت و امامت»، جامعه توحیدی پیکره‌ای واحد، زنده و هدفدار است. امام (به‌عنوان کانون و قلب تپنده جامعه) اُمت (به‌عنوان آحاد انسان‌های مسئول)، دو موجودیت منفک و مبتنی بر قرارداد اجتماعی صرف نیستند، بلکه در پیوستگی‌ای عمیق و حرکتی جوهری به سوی غایتی مشترک (تحقق توحید و تمدن نوین اسلامی) قرار دارند.

بنابراین، سهم بنیادین این پژوهش در حل بحران هویت آن است که استدلال می‌کند: موضوع اصلی دانش مدیریت دولتی، نه موجودیتی ایستا (مانند بروکراسی) و نه مفهومی انتزاعی (مانند خط‌مشی)، بلکه «مبنا و فرایند تعامل دولت و مردم (اُمت و امامت)» است. به عبارت دقیق‌تر، مدیریت دولتی در مکتب اسلام، علم مطالعه روابط بر ساختی میان علل اربعه نظام اجتماعی است: (الف) علت غایی، آرمان و هدف دستگاه امامت؛ (ب) علت فاعلی، بازیگران اصلی (شخصیت حقیقی مردم در قامت انسان مسئول)؛ (ج) علت صوری، ساختار دولت (متمرکز اما توزیع شده)؛ و (د) علت مادی، بسترها و زمینه‌های اجتماعی.

هنگامی که «تعامل نظام‌مند میان اُمت و امامت به سوی غایت توحیدی» به‌عنوان موضوع واحد پذیرفته شود، بحران هویت مضمحل می‌گردد. زیرا تکثر مفاهیم (سیاست‌گذاری، اجرا، انگیزش، ساختار) دیگر نشانه تشتت علمی نیست؛ بلکه «مسائل» دانشی هستند که حول محوری واحد و معنادار (چگونگی تنظیم روابط درونی این سیستم برای حرکت به سوی توحید) ازسجام یافته‌اند. در این خوانش، بُعد چهارم مکتب مدیریت دولتی اسلامی (فرایند اداره و تعامل دولت و مردم)، بر ساخته‌ای نظام‌مند از دل همان موضوع اصلی است که روابط متقابل میان علت غایی (هدف)، علت فاعلی (اُمت) و علت صوری (ساختار ولایی) را در قالب «مسئولیت‌ها، انگیزه‌ها، سیاست‌ها و سازوکارها» صورتبندی می‌کند. این خوانش، هویتی مستقل، پویا و غایتمند به آن می‌بخشد.

برای درک عمیق‌تر این روابط، باید به ماهیت «برساخته» بودن بُعد چهارم توجه کرد. در فلسفه علم، برساخته به پدیده‌ای گفته می‌شود که از تعامل اجزای سطح پایین‌تر پدید می‌آید، اما قابل فروکاست به آنها نیست (ساویر، ۲۰۰۵). به بیان دیگر، بُعد چهارم «مجموع ساده‌ای» از بُعد سوم نیست، بلکه نظامی پیچیده است که از روابط دوطرفه میان مؤلفه‌های آن پدید می‌آید. برای مثال، «مسئولیت‌ها» نه صرفاً تو صیف دولت یا مردم، بلکه رابطه دوطرفه میان آنهاست؛ «سیاست‌ها» نه فهرستی از اهداف، بلکه نحوه تعامل بازیگران برای تحقق هدف است؛ «انگیزه‌ها» نه ویژگی ذاتی بازیگران یا ساختار، بلکه پیوند میان این دو است؛ و «سازوکارها» نه صرفاً ابزار یا هدف، بلکه شیوه تحقق هدف در قالب ساختار است.

اینجا، تمایز بنیادین این پژوهش با مطالعات پیشین بهتر روشن می‌شود. در ادبیات متعارف، مؤلفه‌ها اغلب به صورت فهرستی مستقل بیان می‌شوند؛ اما در این مکتب، آنها شبکه‌ای منسجم را تشکیل می‌دهند که هر یک از بُعد قبلی استنتاج می‌شود و با سایر ابعاد در تعامل است. در ادامه، هر یک از این روابط تفصیلی‌تر توضیح داده می‌شود:

۱. نخستین رابطه، میان دو طرف اصلی تعامل یعنی دستگاه امامت و آحاد امت است. در مکاتب متعارف، این رابطه معمولاً در قالب «نسبت‌ها» تحلیل می‌شود: هر طرف چه نقشی در برابر طرف مقابل دارد. اما در مکتب مدیریت دولتی اسلامی، با پذیرش الگوی امت و امامت و جامعه توحیدی، این نسبت‌های ایستا به شبکه‌ای پویا از مسئولیت‌های متقابل تبدیل می‌شود. مسئولیت، مفهومی فعال‌تر از نسبت است؛ نسبت می‌گوید «چه هستی»، اما مسئولیت می‌گوید «چه باید بکنی». این تفاوت ریشه در نظریه «انسان مسئول» دارد که در بُعد مفروضات اصلی مکتب تبیین شده است.

۲. دوم، چگونگی پیوند اهداف دولت با بازیگران اصلی. «سیاست‌ها» پاسخ به این پرسش هستند که چگونه بازیگران اصلی می‌توانند برای تحقق هدف متعالی دولت فعالیت کنند. بنابراین سیاست‌ها نه صرفاً ابزار فنی مدیریت، بلکه جهت‌دهنده حرکت بازیگران به سوی هدف هستند.

۳. سوم، تأثیر ساختار دولت بر انگیزه کنشگران. این رابطه پرسشی اساسی را مطرح می‌کند: چه چیزی انسان‌ها را به فعالیت در درون ساختار دولت وامی‌دارد؟ در مکاتب متعارف، پاسخ

معمولاً انگیزه‌های مادی (حقوق، ارتقاء) یا سیاسی (قدرت، حزب) است. اما در مکتب مدیریت دولتی اسلامی، چون بازیگران اصلی «انسان مسئول» در قالب «امت» تعریف می‌شوند و ساختار مطلوب «متمرکز اما توزیع شده» است، انگیزه‌ها نیز باید با این تعریف از بازیگر و این نوع ساختار سازگار باشند.

۴. چهارم، تناسب ساختار با اهداف. اینکه «چه می‌خواهیم به آن برسیم» (هدف) و «در چه قالبی» (ساختار) به سمت آن حرکت می‌کنیم. سازوکارها در واقع پاسخ به این پرسش هستند که چگونه ساختار دولت باید طراحی و به کار گرفته شود تا هدف متعالی تحقق یابد. در این مکتب، چون هدف امت‌سازی و تحقق توحید است و ساختار متمرکز-توزیع شده است، سازوکار مطلوب نمی‌تواند بروکراتیک، بازاری یا حتی شبکه‌ای باشد؛ بلکه باید ساختاری باشد که ایمان و مسئولیت انسان‌ها را تبدیل به عمل صالح کند و به جای استخفاف و به بند کشیدن اراده‌ها، اراده‌ی ایشان را تقویت کند و به میدان عمل بکشانند.^۱

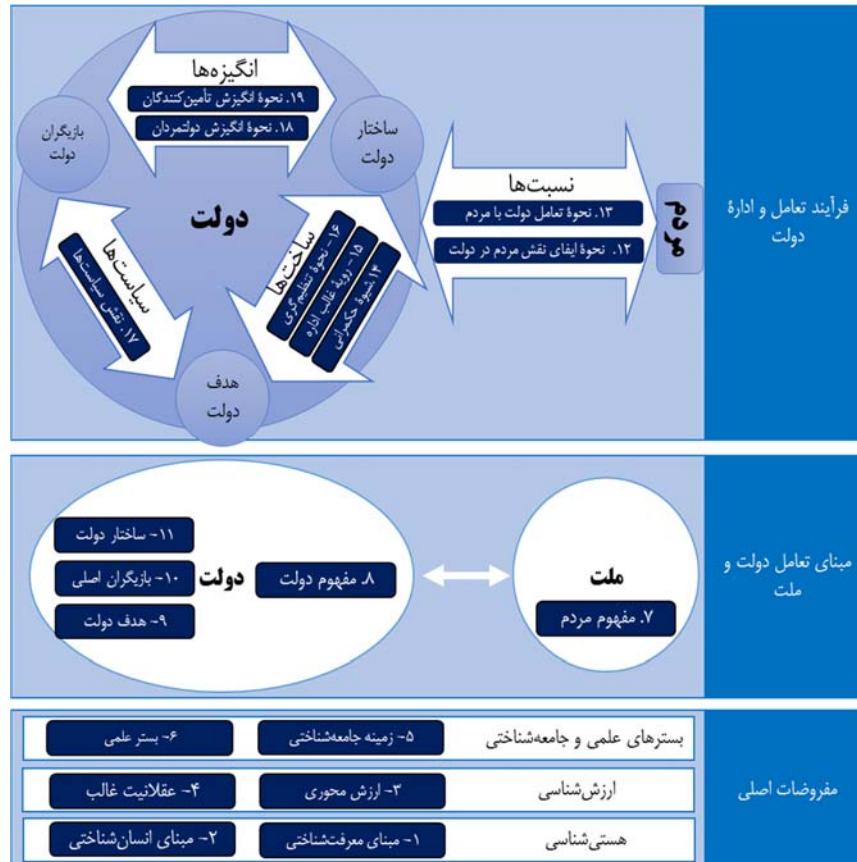
یافته‌های پژوهش

در بخش مبانی نظری نشان داده شد که بُعد چهارم مکتب مدیریت دولتی اسلامی، بر ساخته‌ای نظام‌مند از روابط درونی بُعد سوم است. اکنون پیش از ورود به تبیین تفصیلی این بُعد، لازم است دو نکته کلیدی روشن شود:

۱. نکته اول: جایگاه یافته‌های این مقاله در چارچوب کلی پژوهش

نمودار ۱ چارچوب مفهومی مطالعه مکاتب مدیریت دولتی (با رویکرد پارادایمیک) را نشان می‌دهد. این چارچوب از مطالعه فراترکیب ۹۵ اثر با نگاهی پارادایمی به مدیریت دولتی به دست آمد و ۱۹ مؤلفه مقایسه‌پذیر را در قالب نه بُعد فرعی و سه بُعد اصلی شناسایی کرد. این مؤلفه‌ها، مؤلفه‌های سابق (برآمده از ادبیات متعارف) نامیده شده‌اند.

۱. این همان «حرف نو» جمهوری اسلامی است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (اعلی‌الله مقامه الشریف) می‌فرمایند: «جمهوری اسلامی حرف نوئی دارد؛ این حرف نو عبارت است از مردم و ارزش‌های الهی. این دو تا باید با هم توأم بشوند و حرکت‌ها و جوامع را شکل بدهند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰د).



نمودار ۱- ابعاد و مؤلفه‌های مکاتب مدیریت دولتی بر اساس فراترکیب مقالات

اما تحلیل بیانات حضرت امام خامنه‌ای (اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف) این چارچوب را در دو جهت متحوّل ساخت: (الف) پانزده مؤلفه جدید به مؤلفه‌های نوزده گانه اولیه افزوده شد؛ (ب) بُعد مهمّ «مبانی اجتماعی و سیاسی» — که در ادبیات متعارف کاملاً غایب بود — به ابعاد سه‌گانه اضافه گردید. این افزوده‌ها، مؤلفه‌های لاحق (ایجاد شده یا اصلاح شده بر اساس اندیشه اسلامی) را تشکیل می‌دهند که در ستون چپ جدول ۱ مشخص شده‌اند.

جدول ۱- مقایسه ابعاد و مؤلفه‌های مستخرج از ادبیات متعارف با ابعاد و مؤلفه‌های به دست آمده (در بعد چهارم)

بعد اصلی	بعد فرعی	مؤلفه	مؤلفه جدید (ایجاد / اصلاح)
فرایند اداره و تعامل دولت و مردم	نسبت‌ها (مسئولیت‌ها)	-	مسئولیت مشترک
		-	مسئولیت احاد امت نسبت به تحقق آرمان‌ها
		-	مسئولیت دستگاه امامت نسبت به تحقق آرمان‌ها
		نحوه تعامل دولت با مردم	-
		-	مسئولیت دستگاه امامت در قبال امت اسلامی
		نحوه ایفای نقش مردم در دولت	مسئولیت امت در قبال دستگاه امامت
		-	مسئولیت‌های درونی دستگاه امامت
	انگیزه‌ها	نحوه انگیزش تأمین کنندگان منافع عامه	نحوه انگیزش عموم مردم
		نحوه انگیزش دولتمردان	-
	سیاست‌ها	نقش سیاست‌ها	-
		-	نقش مجریان سیاست‌ها
		-	نقش مردم در تحقق سیاست‌ها
	سازوکارها	شیوه حکمرانی	-
		رویه غالب اداره	-
		نحوه تنظیم‌گری	نقطه ثقل فرایند اداره

۲. نکته دوم: تحول مفهومی در بُعد چهارم

در بُعد چهارم — که موضوع این مقاله است — این دو دسته مؤلفه به صورت مشخص‌تری قابل مشاهده‌اند. از میان مؤلفه‌های سابق، چهار بُعد فرعی «نسبت‌ها»، «انگیزه‌ها»، «سیاست‌ها» و «سازوکارها» در ادبیات متعارف سابقه داشتند. اما تحلیل اندیشه اسلامی نشان داد که هر یک از این ابعاد فرعی نیاز به بازتعریف اساسی دارند: «نسبت‌ها» به «مسئولیت‌ها» تبدیل شد (تغییر از رابطه ایستا به شبکه پویا)؛ تعداد مؤلفه‌های این بُعد فرعی از دو به هفت افزایش یافت؛ مؤلفه «نقطه ثقل فرایند اداره» به عنوان یک مؤلفه کاملاً جدید به این بُعد فرعی «سازوکارها» افزوده شد.

این تحولات، همگی ریشه در همان رابطه بر ساختی دارند که در مبانی نظری تبیین شد: هر بُعد فرعی، نتیجه منطقی رابطه دوطرفه میان دو مؤلفه از مؤلفه‌های بُعد سوم است. در ادامه، هر یک از این ابعاد فرعی به تفصیل تبیین می‌شوند.

آنچه در ادامه می‌آید، برای نخستین بار چارچوبی نظام‌مند از فرایند اداره در مکتب مدیریت دولتی اسلامی ارائه می‌دهد که در چهار مؤلفه‌ی مسئولیت‌ها (جایگزین نسبت‌ها)، انگیزه‌های درونی، سیاست‌های الهی و سازوکارهای مردمی خلاصه می‌شود.

بعد فرایند اداره و تعامل دولت و مردم

الف- مسئولیت‌ها: جایگزینی نسبت‌ها با شبکه‌ای از مسئولیت‌های متقابل

نقطه عطف اساسی در این مکتب، گذار از چارچوب «نسبت‌های دوگانه» (که در آن دولت و مردم به عنوان طرفین قرارداد اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند) به «شبکه‌ای از مسئولیت‌های وجودی» است که در آن هر دو طرف در قبال یکدیگر، آرمان‌ها و انسجام درونی خود مسئولیت دارند.

برخلاف نقش محدود و عمدتاً انفعالی مردم در پارادایم‌های متعارف، در مکتب مدیریت دولتی اسلامی، مبتنی بر نظریه انسان مسئول و جامعه توحیدی، امت و امام جبهه‌ای واحد و جدایی ناپذیر در مسیری استکمالی را تشکیل می‌دهند. از این رو، تحلیل رابطه حاکمیت و مردم از بررسی نسبت‌های حقوقی-دوجانبه فراتر رفته و به شبکه‌ای از تکالیف وجودی و مسئولیت‌های متقابل برای پیشبرد این هدف متعالی تبدیل می‌شود.

برای واکاوی نظام‌مند این شبکه، یک چارچوب تحلیلی سه‌سطحی ارائه می‌گردد که مسئولیت‌های «دستگاه امامت» و «امت» را در قبال یکدیگر (متقابل)، در قبال اهداف کلان (بیرونی)، و در قبال انسجام درونی خود (درونی) می‌سنجد. این چارچوب، شش حوزه مسئولیت اصلی را آشکار می‌سازد که در جدول ۲ نمایش داده شده است.

شایان ذکر است که بر اساس نظریه توحید و ولایت، امام نیز خود عضوی از امت است و مسئولیت هر فرد (اعم از امام و آحاد امت) با افزایش آگاهی و ایمان او، سنگین‌تر می‌شود، که این خود گویای ماهیت پویای این نظام مسئولیت‌پذیری است.

جدول ۲- مؤلفه‌های شش‌گانه بعد فرعی مسئولیت‌ها مبتنی بر الگوی امت و امامت

نظام امت	دستگاه امامت	
۲- مسئولیت آحاد امت نسبت به تحقق آرمان‌ها و غلبه بر دشمنان	۱- مسئولیت دستگاه امامت نسبت به تحقق آرمان‌ها و غلبه بر دشمنان	مسئولیت‌های بیرونی (ناظر به آرمان‌ها)
۴- مسئولیت آحاد امت اسلامی در قبال امام امت و دستگاه امامت	۳- مسئولیت دستگاه امامت در قبال امت اسلامی	مسئولیت‌های متقابل (ناظر به عنصر دیگر)
۶- مسئولیت آحاد امت اسلامی نسبت به یکدیگر	۵- مسئولیت دستگاه امامت نسبت به امام امت و دستگاه امامت	مسئولیت‌های درونی (ناظر به خود عنصر)

۲. مسئولیت مشترک تمام آحاد امت

در رأس این شبکه از مسئولیت‌ها، تکلیفی بنیادین و مقدم بر سایر وظایف قرار دارد که بر عهده تمامی آحاد جامعه اسلامی است: مسئولیت «حفظ نظام اجتماعی توحیدی» که در قالب «حفظ نظام ولایت» تجلی می‌یابد. نظام ولایت، مفهومی فراتر از یک ساختار صرفاً سیاسی است و به منزله شاکله حیاتی جامعه توحیدی، صیانت از آن در عصر حاکمیت، «اوجب واجبات» تلقی می‌شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳د). این صیانت، در گرو پاسداری از سه رکن اساسی نظریه ولایت است: نخست، اتحاد و انسجام درونی امت؛ دوم، مرزبندی شفاف با دشمن و نفی هرگونه سلطه‌پذیری؛ و سوم، ارتباط مستحکم و فطری آحاد امت با کانون و محور نظام، یعنی امام امت (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳الف). بر این اساس، هر عاملی که این ارکان را تضعیف کند -از قبیل تفرقه‌افکنی، دوقطبی سازی‌های کاذب (جز دوقطبی اصیل انقلاب و استکبار (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴ج)) یا وابستگی سیاسی- به مثابه تهدیدی برای کيان نظام تلقی شده و ضرورت وجود نقطه کانونی قدرت (امام) برای الهام‌بخشی و حفظ پیوندها را آشکارتر می‌سازد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳الف، ص ۵۲۹). این مسئولیت محوری، با تمام مبانی نظری این مکتب، از نظریه توحید و انسان مسئول گرفته تا نظریه حق و الگوی امت و امامت، پیوندی عمیق و ناگسستنی دارد. (جدول)

۳. مسئولیت‌های آحاد امت نسبت به تحقق آرمان‌ها و غلبه بر دشمنان

این مؤلفه، به تبیین مسئولیت آحاد امت در قبال تحقق آرمان‌ها و غلبه بر دشمنان می‌پردازد. اگرچه جوهر این مسئولیت را می‌توان در همان اصل «حفظ نظام ولایت» - با الزاماتش همچون وحدت، مرزبندی با غیر و پیوستگی با امام - خلاصه کرد، اما در وجه ایجابی، تکلیف اصلی امت، قیام برای تحقق آرمان توحید است. این قیام، مستلزم دو بال مکمل است: آگاهی و اراده؛ یعنی شناختی عمیق، قلبی و عقلانی که به ایمان منتهی شود و اراده‌ای را سخ که از میل باطنی و تصمیم سرچشمه گیرد. حضرت امام خامنه‌ای از این دو عنصر با تعبیر «علم و تقوا» یا «آگاهی و خواست قلبی» نیز یاد کرده‌اند (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۳، ص ۱۶۸).

این آگاهی ژرف و انسجام هدفمند، تنها در سایه هماهنگی کامل با امام محقق می‌گردد. پیوستگی با ولی، به معنای هم‌سوئی فکری و عملی فزاینده است: «شناختن او، هم‌فکر شدن با او، و آنگاه، هم‌قدم شدن و حرکت در پی او» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳، الف، ص ۵۵۱). این پیوستگی، نسبتی از جنس تسلط و تبعیت کورکورانه نیست، بلکه اتحادی غیر صوری است که از وحدت گفتمانی برآمده از عقل و قلب نشأت می‌گیرد. در این میان، پیوستگی فکری بر عمل مقدم است، چرا که ارزش غایی در این مکتب، با تبعیت آگاهانه، ارادی و ایمانی معنا می‌یابد. چنین تبعیتی نه تنها تحقیرآمیز نیست، بلکه از آنجا که ولی، پیشگام حرکت در مسیر توحید و متعهدترین فرد به «حق» است، تبعیت از او در حقیقت، عین استقلال و شکوفایی شخصیت فرد پیرو است (بر اساس نظریه توحید و انسان مسئول).

بر این اساس، حضرت امام خامنه‌ای (اعلی‌الله مقامه الشریف)، تضمین تحقق آرمان‌ها را نه در سازوکارهای اعتباری و صوری، بلکه در دو جوهر باطنی امت جستجو می‌کنند: ایمان و صبر (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳، الف، ص ۴۴۹). این دو رکن، با مفاهیم کلیدی بصیرت و استقامت نیز تبیین می‌شوند. بصیرت - به معنای هوشمندی، ژرف‌نگری و قدرت تحلیل - از آن رو ضروری است که بدون آن، انگیزه‌های متعالی نیز ممکن است در مسیر باطل به کار گرفته شوند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳، د). صبر - به معنای مقاومت آدمی در راه تکامل در برابر انگیزه‌های شرآفرین و انحطاط‌آفرین (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۳، الف، ص ۶) - و استقامت - به معنای ایستادگی، از میدان در نرفتن - در اهداف و آرمان‌ها، شرط پیروزی قطعی ملت‌ها است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۵) و ثمره‌اش، چیزی جز هدایت و نصرت

الهی نخواهد بود (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲ج)؛ اصلی که قرآن کریم نیز بر آن صحّه می‌گذارد: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِّن تَابٍ مَّعَكَ»^۱ و «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»^۲.

بنابراین، می‌توان مسئولیت اصلی آحاد امت را در تکاپوی مستمر برای تعمیق ایمان (بصیرت) و تحکیم صبر (استقامت) خلاصه کرد. (جدول) این تعریف از مسئولیت، با سایر اجزای این چارچوب مفهومی، از جمله وظایف متقابل دستگاه امامت و مبانی نظری مکتب، انسجامی کامل دارد و از آنجا که امت مفهومی فراگیر است، این تکلیف بنیادین، بر عهده شخص امام و دیگر اعضای دستگاه امامت نیز به طریق اولی قرار دارد.

۴. مسئولیت دستگاه امامت نسبت به تحقق آرمان‌ها و غلبه بر دشمنان

این مؤلفه، به تحلیل دقیق مسئولیت متقابل مورد قبلی، یعنی وظیفه دستگاه امامت در قبال تحقق آرمان‌ها و غلبه بر دشمنان، می‌پردازد. این مسئولیت، که باز هم ذیل تکلیف کلان حفظ نظام ولایت تعریف می‌شود و ثقل آن بر دوش شخص امام است، در دو بال تفکیک‌ناپذیر اما متمایز متبلور می‌شود: تبیین مکتب به مثابه بال فکری، و رهبری و راهبری به مثابه بال سیاسی و عملی (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷الف، ص ۸۰).

وظیفه نخست، تبیین مکتب، مستلزم فهم عمیق و سپس تشریح و تفسیر نظام‌مند آرمان‌ها برای جامعه است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷الف، ص ۷۳ و ۷۴). وظیفه دوم، رهبری و راهبری، به معنای استمرار رسالت نبوی در پیشبرد جامعه به سوی کمال مادی و معنوی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷الف، ص ۷۳ و ۷۴). این دو وظیفه، تکالیفی الهی هستند که وجود موانع یا مخالفت دشمنان، مشروعیت آن‌ها را ساقط نمی‌کند. از این رو، امام موظف است بی‌امان برای استقرار این منصب الهی تلاش کند؛ مبارزه‌ای مستمر که در سیره امامان معصوم : ، گاه در قالب دعای امام سجاد 7 و گاه در قالب دعوت به بیعت توسط امام علی 7 ، تجلی یافته است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷الف، ص ۹۱ و ۹۴).

۱. سورة مبارکه هود 7 ، قسمتی از آیه شریفه ۱۱۲.

۲. سورة مبارکه عصر، قسمتی از آیه شریفه سوم.

با استقرار حکومت اسلامی، این مسئولیت‌ها ابعاد عمیق‌تری می‌یابند. تبیین مکتب با مأموریت قرآنی تزکیه و تعلیم^۱ پیوند می‌خورد و وظیفه نظری و عملی حکومت در توجه همزمان به دل، مغز، دانش و بازوی ملت را به هم می‌آمیزد (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۵). مسئولیت سیاسی-اجرایی نیز در سه محور کلیدی تعریف می‌شود: نخست، صیانت از کيان دولت اسلامی (از طریق حفظ نظام و دفع توطئه‌ها) (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹ الف؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲ الف)؛ دوم، تمهید شرایط حرکت به سوی آرمان‌ها (از طریق تنظیم سیاست‌های کلان و امیدبخشی) (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۶؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۸۰ ب؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲ الف)؛ و سوم، پاسداری از اصالت مسیر حرکت (از طریق جلوگیری از انحراف و هشدار به مسئولان) (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹ الف؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲ ج؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵ ج). این سطح از راهبری، نه یک مدیریت اجرایی روزمره، بلکه یک «مدیریت کلان‌ارزشی» است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰ ج).

در جمع‌بندی، وظیفه محوری دستگاه امامت در قبال آرمان‌ها، از یک سو تبیین مکتب و از سوی دیگر مبارزه سیاسی برای کسب و حفظ حاکمیت و گسترش نظام ولایت است. این دو، مکمل مسئولیت اتحاد امت (تعمیق ایمان و استقامت) هستند؛ دستگاه امامت با «تزکیه و تعلیم» زمینه ایمان امت را فراهم می‌آورد و با «مبارزه سیاسی» بستر استقامت آن‌ها را تأمین می‌کند. (جدول)

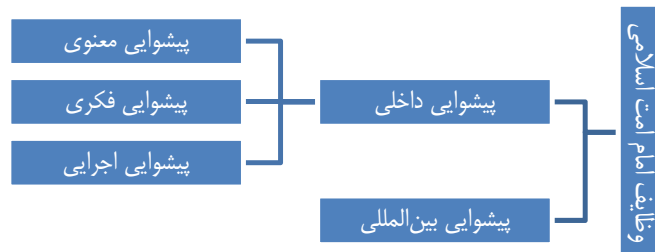
۵. مسئولیت دستگاه امامت در قبال امت اسلامی

این مؤلفه، ماهیت تعامل حاکمیت با مردم را روشن می‌سازد. مسئولیت دستگاه امامت در قبال امت را می‌توان در دو ساحت درهم‌تنیده تحلیل کرد: ساحت حقیقی و ساحت حقوقی.

در ساحت حقیقی، جوهر مسئولیت در مفهوم پیشوایی نهفته است. امام، صرفاً یک حاکم نیست؛ او پیشقراول حرکتی است که امتی را به دنبال خود می‌کشد (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۰). این پیشوایی در چهار حوزه تجلی می‌یابد: معنوی، فکری، اجرایی و بین‌المللی.

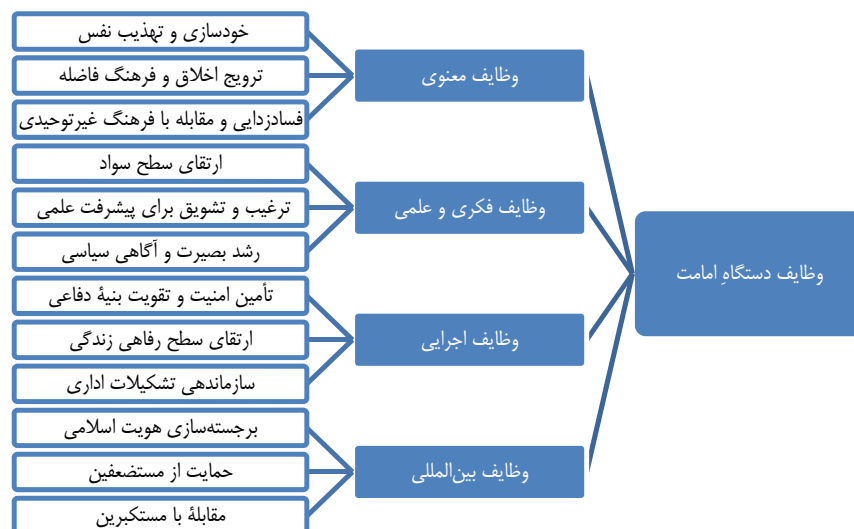
از طرف دیگر از نظر ایشان، پیشوایی در عرصه داخلی نیز بر سه رکن درهم‌تنیده معنویت، عقلانیت و عدالت استوار است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳ ج؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰ ب؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰ ه؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰ و) که با مراتب وجودی انسان پیوندی مستقیم دارند.

۱. اشاره به عبارت نورانی قرآن کریم «يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» قسمتی از آیه شریفه دوم سوره مبارکه جمعه و آیه شریفه ۱۶۴ سوره مبارکه آل عمران.



نمودار ۲- وظایف امام جامعه اسلامی (در ساخت حقیقی) (سیدطباطبایی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۵)

در ساخت حقوقی، این پیشوایی در دو مأموریت اصلی عینیت می‌یابد: «خدمت همه‌جانبه» و «جلب محبت و اعتماد مردم». خدمت، به معنای پاسخ به نیازهای حقیقی و بلندمدت جامعه است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹ الف، ص ۱۳۶۳/۱۰/۷). جلب محبت و اعتماد نیز از ویژگی‌های نظام اسلامی است که برخلاف نظام‌های مبتنی بر «زور» (پلیسی) یا «تزویر» (تبلیغاتی)، بر «محبت و عطف» استوار است (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۰). این مهم از طریق اقناع فکری (حکمت، موعظه و مجادله احسن)، ارتباط مستمر و رفتار سرشار از رحمت و لطف با مردم حاصل می‌شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸ ب، ص ۲۰۸ و ۲۶۱).



نمودار ۳- فروعانی از وظایف چهارگانه دستگاه امامت (سیدطباطبایی، ۱۴۰۰، ص ۳۰۲)

سه دسته وظایفی که امام امت اسلامی به عنوان وظایف دستگاه امامت عنوان کرده‌اند تناسب بسیار زیادی با انواع چهارگانه پیشوایی امام دارد که در ساخت حقیقی جامعه گذشت. بنابراین با تفکیک وظایف معنوی به وظایف تربیتی و وظایف علمی می‌توان همان چهار نوع پیشوایی را به عنوان چهار عرصه خدمت‌رسانی مهم قلمداد کرد. با تطبیق فرمایشات متعدد معظم‌له در مورد وظایف دولت اسلامی در این چهار عرصه، تعدادی از مهم‌ترین وظایف در نمودار ۳ ذکر شده‌اند.

۶. مسئولیت امت نسبت به امام و دستگاه امامت

در این مکتب، نقش مردم از جایگاه یک ناظر یا مشارکت‌کننده منفعل، به مقام کنشگر محوری و بازیگر اصلی در حرکت به سوی آرمان توحید ارتقا می‌یابد. در این چارچوب، مسئولیت امت در قبال امام و دستگاه امامت، در سایه تکریم حقیقی جایگاه مردم معنا می‌یابد. موفقیت جامعه در گرو تبعیت آگاهانه از امام به مثابه قلب تپنده پیکره امت است؛ تبعیتی که ضامن مصونیت، اقتدار و استحکام نظام می‌باشد. (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳ الف)

این انسجام، به شخص امام محدود نمی‌شود و حمایت از کلیت دستگاه امامت (مسئولان) را نیز در بر می‌گیرد؛ چرا که کارایی نظام مدیریتی کشور بدون پشتیبانی مردم امکان‌پذیر نیست (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷ ج). حتی وجود نارضایتی از عملکرد برخی کارگزاران، مجوزی برای رویگردانی از اصل نظام تلقی نشده، بلکه باید به رویکردی مسئولانه، یعنی نقد سازنده و کمک فکری و عملی، منجر شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷ ج). این نقش‌آفرینی، فراتر از مشارکت‌های دوره‌ای مانند انتخابات، در تار و پود حیات اجتماعی و در تمامی عرصه‌های کلیدی نظام تجلی می‌یابد.

۷. مسئولیت متقابل آحاد امت اسلامی

در تفکر توحیدی، دایره مسئولیت از رابطه عمودی فرد با خدا و امام فراتر رفته و بعدی افقی و فراگیر را نیز شامل می‌شود: مسئولیت آحاد امت در قبال یکدیگر. در نگاه اسلامی «حق و تکلیف دو روی یک سکه‌اند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۰ ب) و هیچ فردی مجاز نیست از این مسئولیت اجتماعی شانه خالی کند. این نگاه، در تضاد مستقیم با فردگرایی اتمیزه، جامعه را پیکره‌ای واحد می‌بیند که سلامت هر عضو بر کل آن تأثیرگذار است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳ الف، ص ۴۱۹).

۱. مبتنی بر نظریه انسان مسئول و نظریه ولایت (سیدطباطبایی، لطیفی، جوانعلی‌آذر، و باقری، ۱۴۰۳)

بسیاری از احکام و سیاست‌های بنیادین اسلام، سازوکارهایی برای نهادینه‌سازی همین مسئولیت متقابل هستند. مفاهیمی چون امر به معروف و نهی از منکر (به مثابه ضامن سلامت عمومی جامعه)، تواصی به صبر، تعاون، انفاق، اخوت و وحدت، ابزارهایی راهبردی برای تقویت «جبهه حق» و تضعیف «جبهه باطل» به شمار می‌روند. حتی مفهوم «جهاد اسلامی» نیز، به معنای احساس مسئولیت برای دریدن پرده‌های استعمار و نجات ملت‌های مستضعف است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳د). این رویکرد اجتماعی و مسئولانه در کلیه قوانین فرهنگ‌ساز اسلامی، از نماز جمعه و حج گرفته تا خمس و زکات و صله رحم، موج می‌زند. رکن اصلی این همبستگی، ولایت و پیوستگی قلبی، فکری و رفتاری مؤمنان نسبت به یکدیگر است (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۷)؛ رابطه‌ای عمیق که با تولید محبت، اعتماد و امید، به حرکت جامعه شتاب می‌بخشد.

بنابراین مسئولیت آحاد امت نسبت به یکدیگر، جبهه حق و تضعیف جبهه باطل است (جدول). این مسئولیت طبق نظریه انسان مسئول (در جهت مسئولیت توحیدی)، پیوسته با نظریه حق و نظریه ولایت، گسترده و همه‌جانبه (شامل ساحات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی)، صوری نیست (قلبی، فکری، احساسی و رفتاری)، و متناسب با مفهوم امت (جمع منسجم هدفمند) است.

۸. مسئولیت‌های درونی دستگاه امامت

اختیارات بیشتر، مسئولیتی سنگین‌تر به همراه دارد (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲ج). مسئولان دستگاه امامت به دلیل تأثیرگذاری رفتارشان بر کل جامعه^۱، علاوه بر مسئولیت‌های مشترک با امت، تکالیف مضاعفی نیز بر دوش دارند. این مسئولیت مضاعف، در سبک و منش مدیریتی خاصی متبلور می‌شود که از آن با عنوان «مدیریت جهادی» یاد می‌شود. مفهومی که در نقطه مقابل رخوت دیوان سالارانه قرار دارد؛ به معنای کار پرتلاش و خستگی‌ناپذیر، همراه با تدبیر و پیگیری مستمر، و مبتنی بر انگیزه‌های ایمانی و اعتقاد راسخ به توانمندی‌های درونی - ما می‌توانیم - است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳ب؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶ج؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷ه).
برای ایضاح ابعاد عملی این مدیریت، می‌توان به اصول بنیادین زمامداری در عهد مالک اشتر، که مورد تأکید حضرت امام خامنه‌ای نیز بوده است، اشاره کرد:

۱. الناس علی دین ملوکهم

جدول ۳- وظایف مدیران دولتی نسبت به مسئولان تحت امرشان

ردیف	وظیفه	توضیحات
۱	شایسته‌سالاری	«فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا»؛ با آزمایش و تشخیص صلاحیت و شایستگی آدم‌ها را انتخاب کن. (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۱۹۴)
۲	ملاک‌های شایستگی اسلامی و انقلابی	امیرالمؤمنین ۷ ملاک‌هایی را به شرح زیر ذکر می‌کنند. ۱- حیا و کارآمدی؛ ۲- صلاحیت خانوادگی؛ ۳- پیشکسوتی در اسلام و انقلابیگری. (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸، صص ۳۱-۳۳)
۳	توجه به امور مادی زندگی	«ثُمَّ اسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ»؛ روزی اینها را روزی فراوان قرار بدهید؛ یعنی کسانی را که در مسئولیت و کار مهم می‌گمارید، در تنگنایی نگذارید که مجبور به خیانت بشوند. (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۵)
۴	پیگیری مسئولانه	«ثُمَّ تَقَعَّدْ أَعْمَالَهُمْ»؛ تفقد یعنی بازرسی کردن، رسیدگی کردن و پرس‌وجو کردن؛ تفقد یعنی پیگیری؛ (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۶)
۵	نظارت پنهانی	«وَأَبْعَثِ الْغُیُونَ»؛ جاسوس بگمارید، یعنی کسانی را بگمارید تجسس کنند، ببینند اینکه گزارش می‌دهد درست است یا نیست. (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۷)
۶	عدم سلب مسئولیت در تفویض اختیارات	«وَتَحَفَّظْ مِنَ الْأَعْوَانِ»؛ از این کسانی که اعوان و انصارت هستند، دوربری‌ها، معاون، همکار و مانند اینها، حسابی متحفظ باش. متحفظ یعنی اینکه خودت را رها نکن در دست اینها؛ (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۸)
۷	تنبیه متخلف	«فَإِنْ احْتَلَّ مِنْهُمْ بَسْطُ يَدِهِ إِلَى خِيَانَةٍ»؛ اگر یکی از اینها دست به خیانتی دراز کرد، «اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ غُيُونِكَ»، که دیده‌بان‌های تو و جاسوس‌های تو از اطراف خبرش را دادند ... به قول اطلاعاتی‌ها اخبار تقاطع داده شد، معلوم شد که حتماً این آدم خیانت کرده، آن وقت «اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا»؛ وقتی دیدی خبرهای بازرس‌های تو از اطراف بر این توافق کردند، به این اکتفا کن به عنوان شاهد. (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۷)

این وظایف مدیریتی عمیقاً با مسئولیت انسان و هدفداری حکومت اسلامی پیوند خورده‌اند. بنابراین، مدیریت جهادی صرفاً یک سبک مدیریتی نیست، بلکه یک نظام ارزشی-عملیاتی است که برخلاف مدل‌های صرفاً نتیجه‌گرای غربی، بر تقوای فرآیندی (نیت الهی و شایسته‌سالاری) و مسئولیت‌گایی (پاسخگویی در برابر خداوند و مردم) تأکید می‌ورزد. این مفهوم که از ایمان و

نظريه انسان مسئول برمی خیزد، شاکله نظامات درونی دستگاه امامت را در جهت تحقق آرمان توحید سامان می بخشد. (جدول)

جدول ۴- مقایسهٔ مکتب مدیریت دولتی، اسلام، با مکاتب آنگلو امریکن در بعد فرعی، مسئولیت‌ها^۱

مکتب اسلام		مکتبى تالک‌بردارين									
حفظ نظام و امانت	حکمرانى (نوين / کل‌گرا)	---	الفاظ امان (صوت) و صبر (سکوت)	تبيين مکتب و امان‌هاى آن مجاز و نادرستى	پيوسته و مستخرج از آفت	پيشروى و پيبرى	---	مشاركت فعال در همه عرصه‌ها	تقويت جبهه حق و تضعيف باطل	---	مديريت جهانى
	خدمات عمومى جديد										
	مديريت ارزش عمومى										
	مديريت عمومى جديد										
	اداره دموکراتيک										
	خصوصى سازى										
	اداره عمومى جديد										
	اداره عمومى سنتى										
	مديريت مشتركى										
مديريت مشتركى	---	الفاظ امان (صوت) و صبر (سکوت)	تبيين مکتب و امان‌هاى آن مجاز و نادرستى	پيوسته و مستخرج از آفت	پيشروى و پيبرى	---	مشاركت فعال در همه عرصه‌ها	تقويت جبهه حق و تضعيف باطل	---	مديريت جهانى	
مديريت مشتركى	---	الفاظ امان (صوت) و صبر (سکوت)	تبيين مکتب و امان‌هاى آن مجاز و نادرستى	پيوسته و مستخرج از آفت	پيشروى و پيبرى	---	مشاركت فعال در همه عرصه‌ها	تقويت جبهه حق و تضعيف باطل	---	مديريت جهانى	

پس از تبیین این شبکه پیچیده از مسئولیت‌ها، اکنون باید به این پرسش پرداخت که چه نیرویی افراد را برای به دوش کشیدن این وظایف سنگین برمی‌انگیزد.

۱. علامت (---) در این جداول به این معناست که در ادبیات پیشینه و پژوهش‌های فراترکیب انجام‌شده (مطابق با روش توصیف‌شده در مقاله نخست)، مفهومی متناظر با این مؤلفه یافت نشد. این امر نشان‌دهنده ضعف در ادبیات آن پارادایم در آن بعد خاص است، و نه خلأ گزارشگری.

ب- بُعد فرعی انگیزه‌ها

این سرفصل، به بررسی محرک‌های درونی و بیرونی مشارکت افراد در دولت اسلامی می‌پردازد. برخلاف رویکرد های متعارف که انگیزش را برای دو گروه مجزا (کارکنان دولت و دولتمردان) تحلیل می‌کنند، در مکتب مدیریت دولتی اسلامی، این مفهوم با ویژگی‌های منحصربه‌فردی روبرو می‌شود. نخست، بر اساس نظریه «انسان مسئول» و الگوی «امت و امامت»، تمامی افراد جامعه در قبال منافع عمومی مسئولند. دوم، فعالیت در دولت اسلامی، هم در ساحت «حقیقی» (درونی) و هم در ساحت «حقوقی» (بیرونی) معنا می‌یابد. لذا، این مؤلفه به بررسی نحوه انگیزش «عموم مردم» و «خواص و دولتمردان» اختصاص دارد.

۱- نحوه انگیزش عموم مردم: ایمان انقلابی و جهادی

پرسش کلیدی این مؤلفه، تعیین مبنای انگیزشی برای مشارکت و همکاری با دولت اسلامی است. پاسخ، ریشه در مبانی معرفتی این مکتب دارد. ایمان آگاهانه و متعهدانه به آرمان توحید، قوی‌ترین نیروی محرکه را برای تحقق این آرمان در سطح فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد. از آنجا که مسئولیت اصلی دولت نیز تحقق همین آرمان است، انگیزه‌های فردی و اجتماعی در مکتب مدیریت دولتی اسلامی، نه تنها در تضاد نیستند؛ بلکه در یک‌راستا و مکمل یکدیگر تعریف می‌شوند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (اعلی‌الله مقامه الشریف) بر انحصاری بودن این انگیزه طبق مفهوم قرآنی اخلاص، تأکید می‌فرمایند: «باید انگیزه حرکت ما -در هر سطحی که هستیم- انگیزه الهی باشد. علاج همه دردهای ما، اخلاص است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹ب). ایشان، انقلابی‌گری را به منزله «یک مشی صحیح و عاقلانه و پُرانگیزه و پُر امید و شجاعانه به سمت اهداف والا» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷ب) تعریف کرده و آن را روحیه لازم برای مشارکت فعالانه مردم می‌دانند. به باور ایشان، شرط دوام حیات جمهوری اسلامی و قوام نظام در همه دوران‌ها، وجود انگیزه‌های انقلابی و جهادی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۱ب؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶الف) و مشکلات نیز جز با قدرت عزم و اراده پولادین مؤمن حل نخواهد شد (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹الف).

راه دستیابی به این انگیزه، تقویت ایمان است؛ ایمانی که بر دو رکن اساسی آگاهی و تعهد عملی استوار است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹ الف). بنابراین، انگیزش عموم مردم برای تحقق اهداف دولت - که اهداف خود آنان نیز هست - تقویت ایمان انقلابی و جهادی است؛ ایمانی که فرد را از خودبینی رها کرده و در مسیر تحقق آرمان حاکمیت توحید در جامعه، به کنشگری فعال تبدیل می‌کند.

۲- انگیزش دولتمردان: خدمت، عدالت و اقامه توحیدی

در این سرفصل، مبنای انگیزشی دولتمردان برای فعالیت در نظام اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مکتب مدیریت دولتی اسلامی، مسئولان دولتی نیز بخشی از بدنه امت محسوب می‌شوند و انگیزه‌شان از همان روحیه انقلابی و جهادی نشأت می‌گیرد. با این حال، فعالیت در دولت اسلامی، جایگاهی ویژه دارد؛ فرصتی برای قرار گرفتن در زمره «بندگان صالح درجه یک خدا»، مشروط به اخلاص و نیت الهی. در غیر این صورت، هلاکت در انتظار است (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹ ب؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۷۱ الف).

مسئولیت در این نظام، به معنای قبول زحمت خدمت‌رسانی به مردم، تلاش برای رفع مشکلات آنان و پیشبرد اهداف متعالی انقلاب است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲ الف). به عبارت دیگر، مسئولان باید «أَبْلَغُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظَرًا» باشند؛ یعنی به فرجام کارها و تأثیر آن‌ها بر نسل‌های آینده توجه کنند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸ ب).

از این رو، مبنای انگیزش دولتمردان نیز، ذیل تقویت ایمان انقلابی و جهادی تعریف می‌شود، اما در عمل، در عرصه‌هایی چون: خدمت‌رسانی، محرومیت‌زدایی، تحقق عدالت، احقاق حقوق مردم و در یک کلام، تحقق آرمان توحید (که در مؤلفه آرمان‌های جامعه اسلامی مورد بحث قرار گرفته) متجلی می‌گردد.

جدول ۴- مقایسه مکتب مدیریت دولتی اسلامی با مکاتب آنگلو امریکن در بُعد فرعی انگیزه‌ها^۱

مکتب اسلام	تجربیت اعلان انقلابی و جهادی	تحقق آرمان بودایی
مکتب انگلو امریکن	ایجاد ظرفیت مشارکت عمومی	کسب منافع در قبال کنش‌گری
	ایجاد ظرفیت مشارکت عمومی	تحقق آرمان ایدئولوژیک شهروندی
	تمامی شیوه‌های پیشین و پسین	
	حقوق و مزایا، تغییر سمت، قراردادهای سودآفرین	حقوق و مزایا، خدمات دولتی
	حقوق و مزایا، تغییر سمت، قراردادهای سودآفرین	حقوق و مزایا، خدمات دولتی
	حقوق و مزایا، تغییر سمت، قراردادهای سودآفرین	اعمال قدرت حزبی
	حقوق و مزایا، استخدام مادام‌العمر	حقوق و مزایا، خدمات دولتی
	نحوه انگیزش تأمین‌کنندگان منافع عامه (عموم مردم)	نحوه انگیزش دولت‌مداران

اگر انگیزه‌های الهی و روحیه جهادی، موتور محرک این نظام باشند، سیاست‌ها به مثابه نقشه و قطب‌نمایی عمل می‌کنند که این حرکت پراثرتری را جهت‌دهی می‌نمایند. در ادامه، قواعد حاکم بر تدوین و اجرای سیاست‌ها در این مکتب بررسی می‌شود.

۱ توضیح علامت (---) مشابه پانویس جدول ۴ است.

ج- بُعد فرعی سیاست‌ها

بُعد فرعی سیاست‌ها به رابطه بازیگران اصلی دولت و نحوه تأثیر ایشان بر تحقق اهداف دولت اختصاص دارد. در الگوی اُمت و امامت، هدف ذیل آرمان‌های جامعه اسلامی تعریف می‌شود و مردم به عنوان بازیگران اصلی، نقشی فعال و عمیق دارند. در این بُعد سه نقش مرتبط با سیاست‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد: نقش سیاست‌ها، نقش مجریان سیاست‌ها و نقش مردم در تحقق سیاست‌ها.

۱- نقش سیاست‌ها

سؤال محوری این مؤلفه این است که سیاست‌ها در این مکتب چگونه تدوین می‌شوند و چه جایگاهی دارند؟ برخلاف مکاتب متعارف، در مکتب اسلام ناب محمدی 6، سیاست‌های کلان تولید نمی‌شوند، بلکه فلسفه وجود دولت اسلامی، تحقق سیاست‌های کلان نظام حق است که توسط خداوند متعال تعیین شده‌اند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰ الف؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹ الف، ص ۱۳۶۲/۲/۳۰). حاکمان بر اساس قانون الهی حکم می‌کنند، نه میل خود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹ ج). قانون در این مکتب، تعیین‌کننده سرنوشت جامعه و سازمان‌دهنده رفتار آحاد امت است و حتی دولت و رهبر نیز باید از آن تبعیت کنند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲ ب). قوانین و سیاست‌های کلی نظام اسلامی، کتاب و قانون الهی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹ الف). در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات، مسئولان باید سه عنصر کلیدی را ملاحظه کنند: آرمان‌ها (شامل اهداف نظام و ایجاد تمدن اسلامی)، راهبردها (سیاست‌های کلان و اساسی مانند تکیه بر اسلامیت، عدم ظلم و مظلومیت، تکیه بر آراء مردم و تلاش عمومی) و واقعیات (شناخت نقاط قوت، ضعف و موانع) (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲ ب). همچنین، معیار شناخت حق و باطل، اولاً اسلام (قرآن، حدیث، کلمات اولیاء) و ثانیاً خواست و منافع و مصلحت مردم مسلمان و آگاه است (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸). قوانین و سیاست‌ها علاوه بر جنبه الزامی، بر فرهنگ و تربیت جامعه نیز تأثیر می‌گذارند و این جنبه باید مورد توجه باشد (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸). در اولویت‌گذاری سیاست‌ها، رعایت کامل حق، فراگیری عدالت و

۱ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی در تبیین این قسمت از قسمتی از خطبه ۵۳ (عهد مالک اشتر) کتاب شریف نهج البلاغه استفاده فرموده‌اند: «وَلَيْكُنْ أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَاعْمَلْهَا فِي الْعَدْلِ وَاجْمَعْهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ»

رضایت عامه مردم^۱ مهم است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸ ب). بنابراین، نقش و جایگاه سیاست‌ها در دولت اسلامی بالاتر از دولتمردان است و توسط خدا تعیین می‌شود؛ سیاست‌های پایین‌دستی نیز باید در راستای آرمان‌ها، راهبردها و واقعیات و با توجه به تأثیر فرهنگی قوانین باشد.

۲- نقش مجریان سیاست

سؤال محوری این مؤلفه، نقش و جایگاه دولتمردانی است که سیاست‌ها را اجرا می‌کنند. از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی، نقش اصلی مجریان در این مکتب «پاسخگویی» است؛ مفهومی کاملاً اسلامی و مرتبط با مسئولیت انسان (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳ ب). مهم‌ترین پاسخگویی، در مقابل خداوند متعال است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴ الف)، که شاخص آن عدم تبعیت از هوای نفس و خودخواهی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳ ب) و همین سطح از پاسخگویی است که جلوی استکبار را می‌گیرد (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳ ب). سؤالاتی که مسئولان باید برای پاسخ به آن‌ها آماده باشند در چهار محور: اقدام به کار، چگونگی انجام (هزینه و سود)، اتقان (دوام کار)، و سلامت کار (عدم سوءاستفاده) خلاصه می‌شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸ ب). محتوای پاسخگویی شامل: آرمان‌های نظام، قانون، مطالبات رهبری و شعارهای زمان اخذ مسئولیت است (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹ ج؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳ الف). پاسخگویی هم ناظر به کارهای انجام شده و هم کارهای انجام نشده است که باید با صداقت بیان شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳ د). سطح بعدی پاسخگویی به مردم است؛ اگر انسان بتواند نسبت به مسئولیت الهی پاسخگو باشد، نسبت به دیگران نیز می‌تواند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳ ب). نظام مردم‌سالاری دینی نیز نظریه پاسخگویی را تقویت می‌کند و مسئولیت صرفاً در اخذ رأی خلاصه نمی‌شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹ ب). در دولت اسلامی همه مردم مسئول و پاسخگو هستند «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» اما سطح پاسخگویی بسته به حیطه تأثیر متفاوت است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳ ب). هیچ کس در نظام اسلامی مصونیت آئین ندارد و همه در مقابل قانون و مسئولیت‌ها پاسخگو هستند (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹ ج).

۱. در منطق علوی نگاه و توجه به عامه مردم است... گروه‌های خاص و قشرهای خاص و جماعت‌هایی که اسم خاصی پیدا می‌کنند و عنوان خاصی پیدا می‌کنند و برای خودشان یک تشخص خاصی پیدا می‌کنند، مورد اعتبار نیستند؛ نه اینکه باید به اینها ظلم بشود؛ نه، اینها هم مثل بقیه مردم؛ تشخصی ندارند، تعینی از نظر اسلام ندارند. (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸ ب، ص ۱۸۹)

در جمع‌بندی، مجریان سیاست‌ها در مکتب اسلامی نقش پاسخگو نسبت به سیاست‌های الهی را دارند، که مبتنی بر توحید، انسان مسئول و مردم‌سالاری دینی است؛ متعلق پاسخگویی اولاً خداوند متعال و ثانیاً مردم و امام امت است؛ محتوای آن اقدامات انجام شده و نشده در نسبت با آرمان‌ها، قوانین، مطالبات رهبری و وعده‌های خود مسئولان است.

۳- نقش مردم در تحقق سیاست‌ها

اگر سیاست‌ها توسط خدا تعیین شده و مجریان پاسخگو هستند، نقش مردم در تحقق و اجرای سیاست‌ها چیست؟ از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (اعلی‌الله‌مقامه الشریف)، عموم مردم (به‌ویژه آگاهان) سهم مهمی در تحقق آرمان‌ها دارند و باید آرمان‌ها را مطالبه کرده و خودشان کمک کنند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷ ب). نفس این روحیه مطالبه‌گری مطلوب است و با مبانی نظری مکتب (مسئولیت انسان) کاملاً هماهنگ است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳ ج).

مطالبه‌گری نه تنها نظام را تضعیف نمی‌کند، بلکه تقویت کرده و تحقق آرمان‌ها را تسریع می‌کند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲ الف)، منجر به گفتمان‌سازی و بسیج ذهنی مردم می‌شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵ ب)، تحقق سیاست‌ها را به عمل نزدیک می‌کند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶ ب)، مانع گم شدن راه آرمان‌ها می‌شود و از سوءاستفاده معارضان از مطالبات جلوگیری می‌کند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹ ب). همچنین مطالبه‌گری عمومی اثر کم‌نظیری در تحقق آرمان‌ها دارد و مسئولان را ناچار به انجام می‌دهد (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲ الف؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵ ب). این امر سدی در مقابل تخریب افکار عمومی و فضاهای نخبگانی و فضاهای مدیریتی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹ ج).

بنابراین، نقش مردم در تحقق سیاست‌ها «مطالبه‌گری، گفتمان‌سازی و کمک به تحقق آرمان‌ها» است که با نظریه انسان مسئول و نقطه ثقل سازوکارهای اداره (تبیین و آگاهی‌بخشی) در ارتباط است.

جدول ۵- مقایسه مکتب مدیریت دولتی اسلامی با مکاتب آنگلو امریکن در بعد فرعی سیاست‌ها^۱

مکتب اسلام	مکتب آنگلو امریکن	نقش اجرا: سیاست	نقش مردم در تحقق سیاست‌ها
حکمرانی (نوبن / کل‌گرا)	مکتب آنگلو امریکن	نقش اجرا: سیاست	نقش مردم در تحقق سیاست‌ها
خدمات عمومی جدید			
مدیریت ارزش عمومی			
مدیریت عمومی جدید			
اداره دموکراتیک			
خصوصی سازی			
اداره عمومی جدید			
اداره عمومی سنتی			
دموکراسی به معنای «راهی برای زندگی»			
«کار عمومی». انتخاب اهداف خط‌مشی با گفتگو و مشورت			
حاکمان منتخب، تعیین کننده اهداف سیاسی‌اند مدیران توانمند			
حاکمان منتخب، تعیین کننده اهداف سیاسی‌اند			

د- بُعد فرعی سازوکارهای

چارچوب سیاست‌گذاری که در آن خداوند منشأ قانون، مجریان پاسخگو و مردم مطالبه‌گرند، تنها از طریق «سازوکارهای» اجرایی منحصربه‌فردی قابل تحقق است. این بخش به شیوه‌ها و رویه‌های عملی حکمرانی در مکتب مدیریت دولتی اسلامی می‌پردازد.

۱. توضیح علامت (---) مشابه پانویس جدول ۴ است.

بُعد فرعی سازوکارها به نحوه تأثیر ساختارها و سازوکارهای هر مکتب در تحقق هدف اختصاص دارد. با تغییر مبانی به توحید و پذیرش الگوی امت و امامت، سازوکارها در این مکتب نیز متفاوت خواهند بود.

۱- شیوه حکمرانی

سؤال محوری این مؤلفه این است که شیوه حکمرانی دولتمردان از طریق ساختار مفروض این مکتب چگونه است؟ با توجه به اینکه بازیگران اصلی مردم هستند و ساختار مطلوب متمرکز اما توزیع شده است، شیوه حکمرانی باید مشارکت مردم را تسهیل کند. برخلاف مکاتب متعارف که مسئله اصلی را سلطه می دانند، در مکتب اسلام مسئله اصلی سلطه انسان بر انسان نیست، بلکه ولایت است؛ مفهومی قرآنی که ریشه در قرب و نزدیکی دارد و مبتنی بر رابطه ایمانی، پیوستگی جامعه مؤمنین با خدا، آگاهی و عمق درونی، هدفمندی (تحقق توحید)، تبعیت آگاهانه و غیر دستوری، و فراگیری مسئولیت است. حضرت امام خامنه‌ای (اعلی الله مقامه الشریف) جمع ویژگی‌های اداره مبتنی بر مسئولیت انسان را در مفهوم «بسیج» تبیین کرده‌اند. بسیج مردمی سازوکار و شیوه حکمرانی مردمی است که مبتنی بر احساس مسئولیت الهی است که ریشه در مبانی دینی دارد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳ الف).

بسیج یعنی متن مردم؛ آن مردمی که می‌توان امید دفاع از انقلاب را از آنها داشت، تمامی نیروهای مؤمن، پرانگیزه، باشور و توان در جامعه اسلامی (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹ ج) و بسیجی بودن فرهنگ پیشرو بودن در همه عرصه‌هاست (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴ الف؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹ ب). بسیج پدیده‌ای انقلابی، بی سابقه در دنیا (به جز صدر اسلام و انقلاب‌های انبیاء) و مختص مکتب اسلام ناب است (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹ ج؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴ ب؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴ ج). حضرت امام خمینی نیز آن را قدرت ایمان و اسلام دانستند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۱۹، ص ۲۲۰). بسیج مؤثرترین عامل انسانی در پیروزی انقلاب بوده است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۰ الف) بنابراین، پدیده تجربه‌ای موفق است و فرهنگ بسیجی می‌تواند بر همه تحولات فائق آید و حرکت کشور را تضمین کند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴ ب؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱ الف). بسیج مایه عزت کشور و نظام، نماد مردم سالاری دینی، الگو برای دیگر کشورها و عامل شکست ناپذیری است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱ الف؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲ ج؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳ الف؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵ د).

در اداره کشور، تقویت کمی و کیفی و فراگیری بسیج توصیه شده است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴ب؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱الف)، دولت باید از ظرفیت عظیم بسیج استفاده کند و بسیج نیز باید به دولت کمک کند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۶؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴ب). این رویکرد در مطالبه دولت مردمی توسط رهبر معظم انقلاب در سال ۱۴۰۰ نیز تجلی یافت (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۰). بسیج مردمی به معنای غیرتخصصی شدن یا مشارکت اجباری نیست، بلکه استفاده از ظرفیت کشف نشده انسان‌های مسئول با توجه به کرامت آنان است. این الگو با منطق زوجیت - در مقابل منطق تضاد- در تحول اجتماعی هماهنگ است که ساختار افقی و شبکه‌ای قدرت، مشارکت فراگیر، توزیع مسئولیت، خودسازماندهی، انعطاف‌پذیری، تقویت هویت جمعی، رشد فردی و نظارت عمومی را به همراه دارد. این شیوه حکمرانی مبتنی بر توحید، انسان مسئول، ولایت و مردم‌سالاری دینی، مسئولیت متقابل امت و امامت و مؤید انگیزه‌ها و سیاست‌های مکتب است.

۲- رویه غالب اداره

سؤال اساسی این مؤلفه این است که در این مکتب، مدیران دولتی غالباً از چه رویه‌هایی برای پیش‌برد امور استفاده می‌کنند؟ رویه غالب اداره در مکتب اسلامی، باید هماهنگ با شیوه حکمرانی بسیج مردمی باشد. مردم‌سالاری فقط در اداره سیاسی نیست، بلکه در خدمات مختلف و وظایف اصلی مدیریت دولتی نیز باید رعایت شود؛ مصادیقی مانند سپاه، جهاد سازندگی و بسیج نمونه‌های آن هستند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶ج). ایشان با تأکید بر اهمیت حضور مردم، به مسئولان فرموده‌اند که به‌طور روزافزون مردم را به حضور و فعالیت در عرصه‌های مختلف تشویق کنند (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹الف) و کارها را با تدبیر و برنامه‌ریزی در اختیار مردم قرار دهند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳ه).

بنابراین، رویه غالب اداره در نظام اسلامی، «مردم‌سپاری» است؛ مفهومی که با مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی مکتب کاملاً هماهنگ است. مبانی فکری سپردن کارها به مردم، هدف‌داری مردم (در مقابل سرگردانی) و برخاسته از نظریه انسان مسئول است؛ لذا مخصوص جوامع ایمانی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳ه). مردم‌سپاری با مفاهیم متعارف جمع‌سپاری تفاوت دارد؛ تأکید اصلی بر مسئولیت انسان است و نحوه حضور و نقش افراد بسته به آگاهی و

اراده متفاوت خواهد بود. این رویکرد بر ظرفیت‌های نهفته انسان‌ها تکیه دارد و ورود مردم در این الگو مسئولانه، با آرمان‌ها و همّت بلند، نگاه امیدوارانه، پرنشاط، آگاهانه و کاملاً جهادی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱ ب). بنابراین، رویه غالب اداره در این مکتب، مردم‌سپاری و استفاده از ظرفیت عظیم مردم مسلمان و هدفمند در عرصه‌های مختلف اداره کشور است.

۳- نقطه ثقل فرایند اداره

سؤال محوری این مؤلفه، نقطه ثقل و تکیه اصلی در اداره از نظر این مکتب چیست؟ تکیه مکتب اسلام بیش از اقتصاد و سیاست، بر فرهنگ، انسانیت، عقلانیت و آگاهی است که زیربنای مسئولیت است. در شیوه حکمرانی بسیج مردمی و رویه مردم‌سپاری نیز، توجه به تقدم آگاهی انسان‌ها بر مشارکت ایشان کلیدی است. پیامبران نیز ابتدا فکر و فرهنگ مردم را دگرگون می‌کردند تا زمینه برای تغییر نظم اجتماعی فراهم شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳ الف).

آگاهی‌بخشی انبیاء از توحید و آرمان‌های آن آغاز می‌شود و آن‌ها هدف آخرشان را از اول بیان می‌کنند. بلکه بالاتر، دین اساساً با آگاهی و بصیرت همراه است و اهداف توحیدی بدون آگاهی پیش نمی‌رود؛ ایمانی که کورکورانه باشد فایده ندارد. این رویکرد تاب‌آوری، استقامت و صبر مردم را حداکثر می‌کند زیرا می‌دانند دنبال چه هدفی هستند. این شیوه، اصلی ثابت در تفکر دینی است و تمام مصلحان اجتماعی و طرفداران تفکر توحیدی نیز از همین نقطه شروع می‌کنند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳ الف).

ابتنای بر آگاهی و بصیرت در اداره جامعه اسلامی هم در آغاز و هم در مسیر تحقق آرمان‌ها ضروری است. برنامه حکومت در اسلام، جریان انداختن سیاست در راه فضیلت و اخلاق است، نه فدا کردن اخلاق برای سیاست (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸ الف). این راهبرد اسلامی در بسیاری از مواردی که راه‌های دیگر جوابگو نیستند، مؤثر و کارآمد است، زیرا متکی بر منطق است، نه زور (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷ د) تا حدّی که یکی خصوصیات حکومتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام را می‌توان تبیین دانست (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵ ج).

پس، تبیین اساس کار مکتب اسلام است، زیرا با ذهن‌ها و دل‌ها مواجه است و اگر دل‌ها قانع نشود، بدن‌ها به راه نمی‌افتند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵ ب) و با توجه به مطالبی که پیش از این گفته شد، وظیفه مهم همه امت اسلام، مبارزه برای روشنگری است و این روشنگری جهاد است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵ الف).

بنابراین، نقطه ثقل و محوری در تمامی فرآیندهای اداره نظام اسلامی، «تبیین، روشنگری، آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی» است. این نقطه ثقل با نظریه‌های توحید (آگاهی و تعهد)، انسان مسئول، عقلانیت و حیانی (رشد عقل)، ولایت (پیوستگی فکری)، امت و امامت (شاخص خواص، وظیفه خواص)، و جهاد کبیر (راهبرد روشنگری) انسجام کامل دارد.

در نهایت، می‌توان گفت سازوکار حکمرانی در این مکتب بر سه پایه استوار است: بسیج مردمی به عنوان شیوه حکمرانی، مردم‌سپاری به عنوان رویه غالب اجرایی، و تبیین و روشنگری به عنوان نقطه ثقل و موتور محرک این دو.

با تبیین مؤلفه‌های ابعاد فرعی انگیزه‌ها، سیاست‌ها و سازوکارها، بخش مربوط به بُعد «فرایند اداره و تعامل دولت و مردم» از مکتب مدیریت دولتی اسلامی تکمیل می‌گردد. مجموعه ابعاد و مؤلفه‌های تبیین شده در این مقاله، همراه با مباحث بخش نخست این پژوهش، چارچوب جامعی از مکتب مدیریت دولتی اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظه الله تعالی را ارائه می‌دهند. در بخش بعدی، با مقایسه این مکتب با پارادایم‌های متعارف، نوآوری‌ها و تمایزات آن مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت.

«بنابراین، آنچه مکتب مدیریت دولتی اسلامی را از پارادایم‌های رقیب جدا می‌کند، صرفاً تغییر در برخی ابزارها یا ساختارها نیست، بلکه بازتعریف بنیادین رابطه دولت و مردم بر اساس مسئولیت الهی، انگیزش درونی، سیاست‌های فراپیشری و سازوکارهای مردم‌پایه است. این بازتعریف، پاسخ نظری به بحران هویت مدیریت دولتی را نیز فراهم می‌آورد.

جدول ۶- مقایسهٔ مکتب مدیریت دولتی اسلامی با مکاتب آنگلو امریکن در بُعد فرعی سازوکارها^۱

مکتب اسلام	سیستم برابری	مردم سپاری	تسین، اکلمی، یخشی، بصیرت‌فرانی و روشنگری
مکاتب آنگلو امریکن	حکمرانی (نوین / کل‌گرا)	شبکه	اقتضایی و مشارکتی
	خدمات عمومی جدید	بروکراسی، بازار، شبکه	اقتضایی
	مدیریت ارزش عمومی	چندگانه (بروکراسی، بازار، شبکه)	برخورد اقتضایی
	مدیریت عمومی جدید	بازار (بروکراسی، سپاری)	بروکراسی
	ادارهٔ نموکراتیک	بروکراسی نماینده	
	خصوصی سازی	بازار و بروکراسی	واگذاری (بروکراسی، سپاری)
	ادارهٔ عمومی جدید	بروکراسی نماینده	انحصار
	ادارهٔ عمومی سنتی	بروکراسی (مستقل)	انحصاری و فراگیر
نتیجهٔ نقل فرایند اداره			
شیوهٔ حکمرانی			
رویهٔ غالب اداره			

۱. توضیح علامت (---) مشابه پانویس جدول ۴ است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش با هدف واکاوی و تبیین مکتب مدیریت دولتی اسلامی انجام شد. اگر بخواهیم خلاصه آنچه در این دو مقاله تبیین شد را به صورت روایتی منسجم بیان کنیم، می‌توان گفت: مکتب مدیریت دولتی اسلامی نظام فکری یکپارچه‌ای است که از عمیق‌ترین لایه‌های هستی‌شناختی تا عملیاتی‌ترین سطوح اداری، انسجامی درونی دارد.

این نظام از یک نقطه واحد، یعنی توحید، آغاز می‌شود. توحید، اصل سازمان‌دهنده برای تمام لایه‌های مکتب است. در لایه مفروضات، توحید به معنای جهان‌بینی غیرمادی و نامحدود، انسان مسئول و عقلانیت و حیانی است. در لایه مبانی اجتماعی، سریان توحید در نظام‌های اجتماعی به فهم و تشکیل جامعه‌ای هدفدار و هماهنگ (در برابر جامعه جاهلی و طبقاتی)، نظام ولایی‌امت و امامت (در برابر دولت-ملت) و مردم‌سالاری دینی (در برابر دموکراسی لیبرال) منجر می‌شود.

وقتی این مبانی در لایه موضوع دانش مدیریت دولتی تجلی می‌یابند، نتیجه آن است که موضوع این دانش نه سازمان اداری، نه خط‌مشی عمومی، بلکه مبنا و نحوه تعامل دولت و مردم است. این تعریف از موضوع، پاسخی قاطع به ادعای رادشلدرز (۲۰۱۱) درباره بحران هویت مدیریت دولتی است: تنوع پارادایم‌ها نه نشانه فقدان موضوع، بلکه نشانه تفاوت در پاسخ به یک سؤال واحد است. در مکتب مدیریت دولتی اسلامی، این سؤال واحد — دولت و مردم بر چه مبنایی و چگونه باید با هم تعامل کنند؟ — با الگوی امت و امامت پاسخ می‌یابد. امت، جمعی هدفمند و مسئول که آرمان توحید را برگزیده‌اند. امام، نه حاکمی که بر مردم سلطه دارد، بلکه پیشقراول حرکتی که مردم با آگاهی و اراده از او پیروی می‌کنند.

یافته‌های این مقاله — که بخش دوم گزارش پژوهش است — در کنار یافته‌های مقاله نخست، تصویر جامعی از این مکتب ارائه می‌دهد که در سه سطح قابل جمع‌بندی است:

پاسخ به بحران هویت و انسجام درونی دانش مدیریت دولتی

با تعیین «مبنا و نحوه تعامل دولت و مردم» به عنوان موضوع اصلی، تنوع پارادایم‌ها نه نشانه بحران، بلکه نشانه تفاوت در پاسخ به یک سؤال واحد است. مکتب مدیریت دولتی اسلامی با الگوی پیوسته «امت و امامت» بر تشریح هستی‌شناختی متعارف غلبه می‌کند (پاسخ به بحران هویت).

این مکتب بر چهار بُعد منطقی (مفروضات، مبانی اجتماعی، مبنای تعامل، فرایند اداره) استوار است که انسجام درونی آن را از فهرست‌های صرف مؤلفه‌ها متمایز می‌سازد (انسجام درونی). در سطح عملیاتی، تمایزات در چهار حوزه‌ی مسئولیت‌ها، انگیزه‌ها، سیاست‌ها و سازوکارها خلاصه می‌شود.

ویژگی‌های استثنایی و مزیت‌های مکتب مدیریت دولتی اسلامی

۱. بررسی مقایسه‌ای مؤلفه‌های مکتب مدیریت دولتی اسلامی با مکاتب آنگلوامریکن در ابعاد چهارگانه پژوهش، ویژگی‌های استثنایی و مزیت‌های ویژه‌ای را برای این مکتب آشکار می‌سازد: نظریه ولایت و الگوی اُمت و امامت: به‌جای رابطه دوگانه دولت و ملت یا حاکم و شهروند، مکتب مدیریت دولتی اسلامی بر مبنای نظریه ولایت، الگوی اُمت و امامت را مطرح می‌کند که مبتنی بر پیوستگی فکری، قلبی و عملی آحاد جامعه با رهبری (امام) در مسیر تحقق آرمان‌هاست. این الگو، انسجام، هم‌افزایی و جهت‌گیری واحدی در جامعه ایجاد می‌کند که در شرایط بحران یا رویارویی با دشمنان بسیار کارآمد است.
۲. مسئولیت‌پذیری متقابل و همگانی: در مکتب مدیریت دولتی اسلامی، مسئولیت منحصر به دستگاه دولتی نیست، بلکه تمامی آحاد اُمت نسبت به خود، یکدیگر، دستگاه امامت، آرمان‌ها و غلبه بر دشمنان مسئولند (مسئولیت مشترک حفظ نظام ولایت). این نگاه، زمینه را برای شکل‌گیری شبکه‌های خودجوش و فعال مردمی در حل مسائل اجتماعی و تحقق اهداف فراهم می‌آورد (مانند مدیریت جهادی و مردم‌سپاری).
۳. سیاست‌های الهی و پاسخگویی مضاعف: برخلاف مکاتبی که سیاست‌ها محصول اراده بشر هستند، در مکتب مدیریت دولتی اسلامی سیاست‌های کلان توسط خداوند تعیین شده و مجریان نسبت به خدا و مردم پاسخگو هستند. این امر مبنای محکمی برای سلامت اداری، عدالت و عدم انحراف از مسیر حق فراهم می‌آورد و پاسخگویی را از سطوح شکلی به عمق وجودی ارتقا می‌دهد.
۴. تبیین و آگاهی‌بخشی به عنوان نقطه ثقل: در حالی که تمرکز مکاتب متعارف بر سازوکارهای ساختاری، اقتصادی یا حقوقی است، نقطه ثقل فرایند اداره در مکتب مدیریت دولتی اسلامی بر تبیین، روشنگری و بصیرت‌افزایی است. این رویکرد با تقویت آگاهی و

ایمان مردم، مشارکت آنان را آگاهانه، پایدار و جهادی می‌سازد و تاب‌آوری جامعه را در برابر حمله‌های فکری و فرهنگی دشمن افزایش می‌دهد.

۵. مدیریت جهادی و مردم‌سپاری: در برابر بوروکراسی‌های متمرکز، بازارمحوری یا ساختارهای صرفاً شبکه‌ای، مکتب مدیریت دولتی اسلامی بر مدیریت جهادی (کار پرانگیزه، با تدبیر و دنبال‌گیر) و رویه مردم‌سپاری (استفاده از ظرفیت عظیم مردم در اداره امور) تأکید دارد. این شیوه‌ها، انعطاف‌پذیری، سرعت عمل، کاهش هزینه‌ها و افزایش کارآمدی را در بسترهای خاص جامعه اسلامی به همراه دارند و با ماهیت پویای انقلاب اسلامی سازگارند.

این ویژگی‌ها نشان می‌دهند که مکتب مدیریت دولتی اسلامی، پارادایمی بنیادین و متمایز از مکاتب آنگلوامریکن است که با تکیه بر مبانی غنی اسلام و اندیشه متفکرین انقلاب اسلامی، ظرفیت‌های منحصربه‌فردی را برای نظریه‌پردازی و عمل در حوزه حکمرانی و اداره امور عمومی در جامعه اسلامی فراهم می‌آورد. این چارچوب نظری، پاسخی عملی به درخواست رهبری برای تحقق دو آرمان کلان جمهوری اسلامی است: اداره کشور به شیوه اسلامی (با محوریت مسئولیت‌های متقابل، انگیزش درونی و سازوکارهای مردمی) و ارائه الگویی کارآمد و عدالت‌محور به جهانیان؛ دولتی که در آن مردم نه مخاطب، بلکه همکار و مسئول در اداره امورند.^۱ همچنین نتایج این پژوهش، ضمن پر کردن خلأ نظری در تبیین ابعاد مکتب مدیریت دولتی اسلامی، زمینه را برای پژوهش‌های عمیق‌تر و اقدامات عملیاتی مؤثرتر فراهم می‌آورد. بر این اساس، پیشنهادهای نظری و کاربردی ذیل ارائه می‌گردد:

الف) پیشنهادهای نظری:

۱. تبیین تفصیلی هر یک از مؤلفه‌های سی و چندگانه این مکتب در قالب پژوهش‌های مستقل.

۱. پاسخی به درخواست حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی: جمهوری اسلامی میتواند آرمانهای خودش را در ذیل دو عنوان کلی خلاصه کند: یک عنوان عبارت است از «اداره کشور به شیوه اسلامی»؛ عنوان دوم، «ارائه یک الگو به مردم جهان برای اداره خوب یک کشور»؛ این دو آرمان است. (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۳ج)

۲. با توجه به چارچوب مفهومی مکتب مدیریت دولتی اسلامی، پیشنهاد می شود سرفصل های درس و گرایش های مرتبط با مدیریت دولتی در دانشگاه ها و مراکز آموزشی، با تأکید بر مبانی، اصول و مؤلفه های این مکتب بازنگری و روزآمد شوند.
۳. بر اساس چارچوب و یافته های این پژوهش، تدوین کتب، مقالات و منابع آموزشی کاربردی برای سطوح مختلف (از دانشگاهی تا آموزش کارکنان دولت) با هدف تبیین مکتب مدیریت دولتی اسلامی و اصول عملیاتی آن ضروری است.
۴. انجام مطالعات تطبیقی دقیق تر میان مؤلفه های مکتب مدیریت دولتی اسلامی و نظریه ها و مدل های خاص در هر یک از پارادایم های متعارف (نه صرفاً کلیات پارادایم ها) برای ایضاح هرچه بیشتر وجوه تمایز و نوآوری های این مکتب ضروری است.
۵. طراحی الگوهای عملیاتی و مدل های اجرایی برای بخش های مختلف نظام اداری و نهادهای عمومی طراحی شود که تسهیل کننده مردم سپاری، مدیریت جهادی و نقش آفرینی فعال مردم باشند.
۶. پژوهش در خصوص چالش ها و موانع موجود در پیاده سازی اصول و مؤلفه های مکتب مدیریت دولتی اسلامی در سطوح مختلف نظام اداری و ارائه راهکارهای غلبه بر آنها.
۷. واکاوی ریشه های تاریخی و سیر تطور اندیشه های مرتبط با حکمرانی اسلامی در طول تاریخ تشیع و انقلاب اسلامی.

ب) پیشنهادهای کاربردی:

۱. اصلاح فرایندهای اداری به گونه ای که بر بستر «مردم سپاری» و «تبیین و آگاهی بخشی» استوار باشند و زمینه را برای مشارکت واقعی مردم در تصمیم گیری ها و اجرای امور فراهم آورند.
۲. طراحی سازوکارها و بسترهای رسمی و غیررسمی برای مشارکت آگاهانه، مسئولانه و دائمی مردم در اداره امور، نظارت عمومی و مطالبه گری سازنده بر اساس مفهوم «بسج مردمی».

۳. ملاک‌های شایستگی مدیران و کارکنان دولتی باید بر اساس مبانی و مؤلفه‌های مکتب مدیریت دولتی اسلامی (مانند ایمان انقلابی، روحیه جهادی، پاسخگویی الهی و مردمی، بصیرت و توان تبیین‌گری) بازتعریف و نظام‌های گزینش، ارتقاء و آموزش با تأکید بر این ملاک‌ها اصلاح شوند.

۴. ایجاد مراکز پژوهشی و اندیشکده‌های تخصصی در حوزه مکتب مدیریت دولتی اسلامی و همچنین طراحی واحدهای سازمانی (یا الگوهای همکاری بین‌بخشی) در دستگاه‌های اجرایی برای پیاده‌سازی و اجرای اصول و رویه‌های این مکتب پیشنهاد می‌شود.

۵. ترویج فرهنگ مسئولیت‌پذیری متقابل در جامعه و روحیه مطالبه‌گری آگاهانه و سازنده از مسئولان از طریق رسانه‌ها، نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی،.

۶. ارتقای نظام ارزیابی عملکرد مدیران و دستگاه‌ها با استفاده از شاخص‌های مستخرج از این مکتب. مانند: مدیریت جهادی، مردم‌سپاری، تبیین‌گری و میزان مشارکت مردم.

قدردانی

این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری نویسنده اول، در رشته‌ی مدیریت دولتی در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام است. نویسنده مراتب سپاس و قدردانی خود را از حمایت‌های علمی و معنوی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، به ویژه اساتید گروه مدیریت دولتی، ابراز می‌دارد.

Referenc

قرآن کریم

- Ashiri, Saeed, (2018): Culturally Constructive Discourse: In the Thought of Ayatollah Khamenei, Kerman: Shahid Bahonar University. [In Persian]
- Braun, Virginia; Clarke, Victoria (2006): Using thematic analysis in psychology. In **Qualitative research in psychology** 3 (2), pp. 77–101. DOI: 10.1191/1478088706qp063oa.
- Denhardt, R. B. (2011). **Theories of Public Organization**. Cengage Learning.
- Goodnow, F. J. (1900). **Politics and administration: A study in government**. Macmillan.
- Ibn Sina, Hussein bin Abdullah, (1404 AH), Al-Shifa, with the corrections of Ibrahim Bayumi Madkoor. Qom: Maktaba Ayatollah al-Azmi al-Mar'ashi al-Najafi. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1360, May 19). Statements at the First International Congress of Nahj al-Balagha. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1368, October 12). Statements at meetings with various segments of the people. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1369A, June 10). Message on the occasion of the first anniversary of the passing of Imam Khomeini. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1369B, July 15). Statements at a meeting with members of the Assembly of Experts. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1369C, 1 Azar). Statements at a meeting with the commanders of the Basij resistance force across the country. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1370, 23 Mordad). Statements at a meeting with the system's agents. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1371A, 16 Mehr). Statements at a meeting with the officials of Chaharmahal and Bakhtiari. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1371B, 29 Mehr). Statements at a meeting with different segments of the people. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1377, 27 Farvardin). Statements at a meeting with the system's agents. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1377, 5 Azar). Statements at a meeting with a group of Basijis. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1379A, 19 Tir). Statements at a meeting with the system's agents. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1379B, 12 Azar). Statements at a meeting with system officials. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1379C, 22 Esfand). Statements at a question and answer session for students at Amir Kabir University of Technology. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1380A, 16 Ordibehesht). Statements at a meeting with Basijis and personnel of the Revolutionary Guards of Gilan Province. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1380B, 12 Aban). Statements at a meeting with the youth of Isfahan Province. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1382A, 22 Adar). Statements at a question and answer session for students at Shahid Beheshti University (RA). [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1382B, 26 Azar). Statements at a meeting with a group of students in Qazvin. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1382C, 22 Jan). Statements at meetings with governors across the country. [In Persian]

- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1383A, 1 Farvardin). Nowruz message on the occasion of the beginning of 1383. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1383B, 26 Farvardin). Statements at meetings with various segments of the people. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1383C, 25 Augdad). Statements at a meeting with a group of officials from the Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1383D, 4 Shahrivar). Statements at a meeting with the President and members of the government. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1384A, 5 Khordad). Statements at a meeting with a group of Basij students. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1384B, 7 Azar). Statements at a meeting with thousands of Basij members on the anniversary of the martyrdom of Imam Sadiq (AS). [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1390, February 10). Statements at a meeting with participants in the World Summit on "Youth and Islamic Awakening". [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1390, February 14). Friday prayer sermons in Tehran.
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1390, January 7). Statements at a meeting with ambassadors and heads of Iranian political missions abroad. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1390, October 24). Statements at a meeting with Kermanshah students. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1391, December 1). Statements at a meeting with a group of Basijis and activists of the "Pure" project. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1391, March 30). Nowruz message on the occasion of the beginning of 2013. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1393 AH, 29 Bahman). Statements at a meeting with the people of East Azerbaijan. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1394 AH, 6 Khordad). Statements at a meeting with representatives of the Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1394 BH, 4 Shahrivar). Statements at a meeting with the President and members of the government. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1394 CH, 4 Azar). Statements at a meeting with commanders of Basij battalions. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1395 AH, 29 Ordibehesht). Statements at a meeting with leading reciters and memorizers participating in international competitions of the Holy Quran. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (1395 BH, 12 Tir). Statements at a meeting with a group of students. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2006, August 31). Statements at a meeting with officials of the regime and ambassadors of Islamic countries on the anniversary of Eid al-Maba'at. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2007, May 31). Statements at a meeting with members of the university student mobilization. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2009, July 3). Statements at a meeting with representatives of the Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2010, December 4). Statements at a gathering of 110,000 Basij on the day of Eid al-Ghadir. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2010, November 2). Statements at a meeting with the Basij of Qom province. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2011, June 14). Elections, Laylat al-Qadr of the Islamic regime. Tehran: Islamic Revolution Publications. [In Persian]

- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2011, June 14). Statements at the 22nd anniversary of the passing of Imam Khomeini (may God have mercy on him). [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2013, August 1). Statements at the meeting of students. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2013, August 12). Statements at the ceremony of the enforcement of the decree of the President of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2013, June 4). Statements at the meeting of representatives of the Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2013, November 19). Statements at the meeting of fifty thousand Basij commanders across the country. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2013, September 14). Statements at the meeting of the Chairman and members of the Assembly of Experts. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2013, September 29). Outline of Islamic Thought in the Quran. Jihadi Faith Institute. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2013, September 9). Statements at a meeting with members of the Supreme Assembly of the Mostazafin Basij. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2016, December 1). Statements in a meeting with Basijis.
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2016, June 17). Statements in a meeting with a group of students.
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2016, September 11). Statements in a meeting with different segments of the people on the occasion of Eid al-Ghadir. [In Persian]
- Imam Khamenei, Seyyed Ali. (2016, September 11). Statements in a meeting with the Chairman and members of the Assembly of Experts of the Supreme Leader. [In Persian]
- Ostrom, V. (1973). *The Intellectual Crisis in American Public Administration*. University of Alabama Press.
- Raadschelders, J. C. N. (2011). *Public Administration: The Interdisciplinary Study of Government*. Oxford University Press.
- Sawyer, R. K. (2005). *Social Emergence: Societies as Complex Systems*. Cambridge University Press.
- Simon, H. A. (1947). *Administrative behavior: A study of decision-making processes in administrative organization*. Macmillan.
- Waldo, D. (1948). *The Administrative State: A Study of the Political Theory of American Public Administration*. Ronald Press.
- Wilson, W. (1887). The study of administration. *Political Science Quarterly*, 2(2), 197–222.

